

بزنگاه های انقلاب

قیام ۱۵ خرداد و طلیعه نهضت اسلامی ایران



قیام ۱۵ خردادماه سال ۱۳۴۲ را باید سرآغاز نهضت اسلامی مردم ایران به رهبری امام خمینی (ره) بدانیم. هر چند اعتراض‌های گسترده علیه اقدامات رژیم شاه، پیش از آن و در پی تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و همچنین، به اصطلاح انقلاب سفید شاه، زمینه‌های اصلی قیام ۱۵ خرداد را فراهم کرده و هجوم وحشیانه عوامل رژیم پهلوی به مدرسه فیضیه، در نخستین روزهای سال قیام، بر خشم عمومی علیه شاه دامن زده بود، اما باز داشت حضرت امام (ره)، در پی سخنرانی افشاگرانه روز ۱۳ خرداد ۱۳۴۲، کاسه صبر مردم را لبریز کرد. دستگیری امام (ره) در سحرگاه روز ۱۵ خرداد، ابتدا مردم قم را به خیابان‌ها کشاند و هنگامی که خبر این دستگیری به تهران رسید، امواج خروشان مردم، رژیم پهلوی را به شدت غافلگیر کرد. حسین فردوست در خاطراتش از دستپاچه شدن علم، نخست‌وزیر وقت، خبر داده است؛ این موضوع نشان می‌دهد که سران رژیم پهلوی، درک درستی از شرایط فرهنگی و اجتماعی حاکم بر کشور نداشتند. این فقدان آگاهی لازم درباره جامعه‌شناسی مردم ایران، باعث شد که طی سال‌های بعد نیز، رژیم پهلوی نتواند به درک درستی از دلایل اعتراضات مردمی دست یابد. شاه به عنوان شخصیتی مستبد و خودرأی، در برابر دیدگاه‌هایی که هم‌رأی و هم‌نظر با او نبودند، هیچ تحملی از خود نشان نمی‌داد. به هر حال، نیروهای نظامی رژیم با فرماندهی غلامعلی اویسی، تظاهرکنندگان تهرانی را به گلوله بستند و کفن‌پوشان ورامینی را از دم تیغ گذراندند. قیام ۱۵ خرداد، توانمندی عظیم علما و مراجع مذهبی را، یک بار دیگر، به رخ قدرت‌های مستبد کشید و نشان داد که علمای راستین می‌توانند منشأ تغییرات بنیادین در کشور باشند.



از بدرقه پرشور انقلابیون جهان در فرودگاه شارل دوگل تا استقبال میلیونی از امام (ره) در مهرآباد

وامی داشت. او به آرامی مسیر تشریفات پرواز را طی کرد و با همراهانش، سوار هواپیمایی شد که قرار بود با فرودش، مسیر تاریخ ایران را عوض کند. در محوطه داخل سالن فرودگاه، نمایشگاهی از جنایات رژیم پهلوی بر گزار شده بود؛ نمایشگاهی که دانشجویان انقلابی آن راه‌اندازی کردند تا درباره آن چه در ایران می‌گذشت، آگاهی‌های بیشتری در اختیار جهانیان بگذارند؛ نمایشگاهی با عنوان بامسمای: «حقوق بشر شاه!» همراهان امام (ره) از غروب روز ۱۱ بهمن به فرودگاه رفته بودند. زنده‌یاد حبیب‌ا...، عسکر اولادی، یکی از حاضران در آن پرواز باشکوه، بعدها در خاطراتش گفت: «غروب یازدهم بهمن برای حرکت به سمت ایران به فرودگاه رفتیم. جمعیت زیادی از کشورهای مختلف اروپایی و اسلامی آن جا جمع بودند و یکپارچه ابراز احساسات می‌کردند.»

■ همه در اضطراب و آرام

هواپیما، ساعت یک بامداد، به وقت پاریس و سه و ۳۰ دقیقه به وقت تهران، از زمین برخاست. امام (ره) روی صندلی ردیف نخست

■ ورود به آسمان ایران

هواپیمای حامل امام (ره) از آسمان ترکیه گذشت و وارد حریم ایران شد؛ اما او آرام روی صندلی جلوی هواپیما نشسته بود. دو جنگنده فانتوم، دو طرف هواپیما را احاطه کردند؛ چرا؟ کسی نمی‌دانست! آیا این یک تهدید بود؟ آن را هم نمی‌شد فهمید؛ نه پیامی و نه دستوری! به هر حال، تاتهران همه در اضطراب و نگرانی به سر بردند، الا او که همه انتظارش را می‌کشیدند. یکی از همراهان امام (ره) در آن پرواز تاریخی نقل می‌کند: «غیر از امام، رنگ به چهره هیچ کس نمانده بود! همه وحشت کرده بودند، اما امام، آرامش عجیبی داشت، آرامشی که دیگران را هم آرام می‌کرد.»

■ ... از سفر آمد

در فرودگاه مهرآباد، جایی که قرار بود هواپیما بر زمین بنشیند، غلغله بود؛ میلیون‌ها نفر خودشان را از سراسر دنیا به مهرآباد رسانده بودند تا در تاریخی‌ترین استقبال تمام تاریخ، حضور داشته باشند. هواپیما درست روی فرودگاه مهرآباد قرار داشت، اما اجازه فرود داده نمی‌شد؛ چند بار روی تهران چرخید؛ حتی مرحوم عسکر اولادی می‌گفت: «هواپیما آرام آرام نزدیک باند آمد و یک دور زد و اوج گرفت دو مرتبه بر گشت و با آرامش نشست. به ایشان گفت: اگر مایلید می‌توانید تشریف ببرید و روی تخت من استراحت کنید. چهره همراهان متغیر شد؛ نکند برای رهبر ملت نقشه‌ای کشیده باشند؛ آن‌ها معتقد بودند که صلاح نیست امام (ره) برای استراحت به کابین مخصوص خلبان برود؛ اما او بدون توجه به این اضطراب، برخاست و گفت که برای استراحت می‌رود. خواستند همراهی‌اش کنند، اما اجازه نداد و گفت: سر جای‌تان بنشینید! رفتار امام (ره) دقیقاً شبیه همان واکنشی بود که هنگام هجوم مأموران شاه به منزلشان در قم و بسته شدن در خانه توسط پارانسان از خود نشان داد؛ آن جا هم به آن‌ها گفت که آرام باشند، ترسی به دل راه ندهند و از هیچ چیز نهراسند که پیشوایشان حسین بن علی (ع) است. یک ساعت از شروع استراحت امام (ره) گذشت؛ همراهان دلشوره داشتند که ناگاه دیدند رهبر محبوب خلق، برای وضو وارد سالن اصلی هواپیما شد؛ با آرامشی وصف‌ناشدنی وضو گرفت و در گوشه‌ای سجاده پهن کرد و به تهجد پرداخت؛ گویی اصلا در این دنیا نبود.

همه رفقای شاه

امیر هوشنگ دولو سلطان خاویار یا دلال هروئین!



امیر هوشنگ دولو قاجار فرزند محمدرولی خان آصف‌الدوله، در سال ۱۲۸۵ هـ. ش در تهران به دنیا آمد. پدر او از طایفه دولو قاجار بود و مادرش منیر اعظم، دختر کامران میرزا و خاله احمدشاه، به دودمان سلطنتی بستگی داشت. هوشنگ دولو به علت ارتباط نزدیک با محمدرضا پهلوی که مشروح آن را حسین فردوست در خاطر آتش بیان کرده است، توانست به چپاول و غارت‌های کلان دست بزند. محمدرضا پهلوی به علت علاقه به وی [به دلیل نقشی که در روابط غیر اخلاقی شاه داشت]، ریاست شرکت خاویار ایران را به او سپرد و دولو طی سال‌های مدید، انحصار خود را بر تجارت خاویار ایران برقرار کرد و در مطبوعات غرب به عنوان سلطان خاویار ایران شهرت یافت. هوشنگ دولو به عنوان آجودان کشوری شاه، از ارکان شبکه فلیکس آقایان و از گردانندگان مافیای مواد مخدر در ایران، منطقه اروپا بود. سند بیوگرافیک ساواک در سال ۱۳۵۱ او را چنین توصیف می‌کند: «عیاش و بی‌بند و بار و معروف به داشتن اعتیاد به تریاک و دخالت در قاچاق مواد مخدر (هروئین)». هوشنگ دولو در مارس ۱۹۷۲ / اسفند ۱۳۵۱، هنگامی که در ژنو در حال تحویل تریاک به حسن قریشی، بازرگان ایرانی مقیم سوئیس بود، توسط پلیس این کشور دستگیر شد. شاه که در زمان این حادثه در سن موریس بود، بلافاصله به ژنورفت و دولورا آزاد کرد و با هواپیمای شخصی خود به ایران بازگرداند. ... این حادثه در مطبوعات غرب انعکاس وسیع یافت و رسوایی بی‌سابقه‌ای را برای خانواده پهلوی به دنبال داشت و تأملات‌ها نقش در بار پهلوی در قاچاق بین‌المللی مواد مخدر افشا می‌شد. دولو در بحبوحه انقلاب اسلامی از ایران گریخت و به فرانسه رفت و چند سال بعد در همان جادر گذشت.

ظهور و سقوط سلطنت پهلوی؛

عبدال... شهبازی؛ جلد دوم؛ ص ۴۶۱ و ۴۶۲

FARJAD ROCK CANDY نبات زعفرانی فرجاد



www.farjadcandy.com

ارتباط با ما | ۰۵۱ - ۳۳ ۷۲ ۰۸۵۹
Contact us | 051 - 33 72 0859